

بازخوانی بخشی از وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام پس از
ضربت تا شهادت

رضا بازوند

مرکز حقائق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله

بازخوانی بخشی از وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ضربت تا شهادت

چکیده

بدون تردید، عمل به سخنان و سفارشات ائمه معصومین علیهم السلام، موجب رسیدن انسان به کمال و سعادت اخروی است. سخنان و سفارشات که نور هستند و موجب روشن و آشکار شدن راه سعادت در میان تاریکی‌ها و گمراهی‌ها، و تشخیص حق از باطل می‌شوند. از جمله این سخنان، وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان ضربت شمشیر ابن ملجم مرادی لعنه الله بر فرق سر مبارکشان در نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجری تا شهادت ایشان در بیست و یکم همان ماه است. حضرت امیر علیه السلام در این وصایا بسیاری، از معارف اعتقادی و اخلاقی را بیان کرده و امام بعد از خود را نیز مشخص کردند که نوشتار حاضر در صدد ذکر و توضیح بخشی از این وصایا است. ما در این مقاله ابتدا سفارشات و تاکیدات حضرت را بر توحید و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و پیروی از سنت وی و وصیت ایشان نسبت به امام حسن علیه السلام به عنوان جانشین و امام بعد از خود را ذکر کردیم. سپس وصایای اخلاقی حضرت را به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم کرده و ذیل هر کدام، بخشی از وصایا را بیان کردیم.

کلیدواژگان: وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام، وصایای اعتقادی، وصایای اخلاقی، اخلاق

فردی، اخلاق اجتماعی

مقدمه

بدون تردید، عمل به سخنان و سفارشات ائمه معصومین علیهم السلام، موجب رسیدن انسان به کمال و سعادت اخروی است. سخنان و سفارشات که نور هستند و موجب روشن و آشکار شدن راه سعادت در میان تاریکی‌ها و گمراهی‌ها، و تشخیص حق از باطل می‌شوند. این سخنان در مواضع گوناگون و با توجه به حیثیات مختلف از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده‌اند که از آن جمله، وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان ضربت شمشیر ابن ملجم مرادی لعنه الله بر فرق سر مبارکشان در نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجری تا شهادت ایشان در بیست و یکم همان ماه است. حضرت امیر علیه السلام در این وصایا بسیاری از معارف اعتقادی و اخلاقی را بیان کرده و امام بعد از خود را نیز مشخص کردند که نوشتار حاضر در صدد ذکر و توضیح بخشی از این وصایا است.

اهمیت و ضرورت این تحقیق از این‌جا روشن می‌شود که این وصایا از جانب کسی است که به عنوان امام از طرف خداوند متعال برگزیده شده و به مقام خلافت و جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله رسیده است و این وصایا را در واپسین ساعات و لحظات عمر شریف خویش ایراد فرموده است. همان کسی که از هر گونه خطا و گناهی معصوم و در امان است. همو که خداوند در قرآن او را نفس پیامبر خوانده^۱ و او را ولی و سرپرست مردم قرار داده است^۲ و پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد علم ایشان می‌فرماید:

أنا مدينة العلم و علی بابها و هل تدخل المدينة إلا من بابها.^۳

من شهر علم هستم و علی دروازه آن است و آیا داخل شدن در شهر جز از طریق دروازه امکان‌پذیر

۱. ﴿فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ «پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را، و ما زنانمان را و شما زنانمان را، و ما نفوسمان را و شما نفوسمان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم»؛ آل عمران: ۶۱. شیعه و سنی متفقند بر این که این آیه در شأن پنج تن آل عبا نازل شده است و مقصود از «انفسنا» امیرالمؤمنین علیه السلام است. برای آگاهی

بیشتر رجوع کنید به: جواهر الکلام: ۳/ ۲۳۵

۲. ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ «سرپرست و ولی شما فقط خداست و رسولش و کسانی که ایمان آوردند و نماز را اقامه می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌دهند» مائده: ۵۵. این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده و مقصود از «کسانی که ایمان آورده و نماز اقامه می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌دهند» امیرالمؤمنین علیه السلام است. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: جواهر الکلام: ۲/ ۲۵۲

۳. الأمالی (للصدوق)، ص: ۳۴۵

است؟

پس برای رسیدن به شهر علم نبوی و بهره بردن از آن و در نتیجه رسیدن به کمال، چاره‌ای جز رجوع به امیرالمؤمنین علیه السلام و کلمات و وصایای ایشان وجود ندارد.

ما در این نوشتار ابتدا به ذکر و توضیح آن دسته از وصیت‌های ایشان که به معارف اعتقادی مربوط است، می‌پردازیم و سپس وصایای اخلاقی ایشان را به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرده و ذیل هر کدام، بخشی از وصایا را بیان می‌کنیم.

وصایای اعتقادی

یکی از وصایای ایشان پس از ضربت تا شهادت، شهادت به یگانگی خداوند و مباحث توحیدی است. توحیدی که مهم‌ترین گزاره اعتقادی تمام ادیان الهی است و در طول تاریخ، پیامبران، یکی پس از دیگری برای این امر مهم مبعوث شدند و در راه مبارزه با شرک و بت پرستی، سختی‌ها و بلاهای بسیاری را به جان خریدند. به همین جهت در روایتی که شیخ مفید آن را نقل کرده است، اولین وصیت حضرت امیر علیه السلام، همین شهادت به یگانگی خداوند است. امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

لما حضرت أبي الوفاة أقبل يوصي فقال هذا ما أوصي به علي بن أبي طالب أخو محمد رسول الله و ابن عمه و وصيه و صاحبه و أول وصيتي أني أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسوله و خيرته اختاره بعلمه و ارتضاه لخيرته و أن الله باعث من في القبور و سائل الناس عن أعمالهم و عالم بما في الصدور...^۱

چون هنگام وفات پدرم فرا رسید، شروع به وصیت کرد و فرمود: این وصیت علی بن ابی طالب، برادر رسول خدا و پسر عمو و وصی و همدم و همراه اوست و اولین وصیتم این است که شهادت می‌دهم، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد، رسول اوست که او را با علم خود اختیار کرد و او را به اختیار و انتخاب خود برگزید و شهادت می‌دهم به این که خداوند کسانی را که در قبور هستند برمی‌انگیزاند و از مردم در رابطه با اعمالشان سوال می‌کند و به آنچه که در سینه‌هاست آگاه است...

امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری در این باره می‌فرماید:

أما وصيتي فأن لا تشرکوا بالله جل ثناؤه شينا و محمدا ص فلا تضيعوا سنته أقيموا هذين العمودين و

أوقدوا هذين المصباحين...^۱

اما وصیت من این است که هیچ چیز را شریک خداوند قرار ندهید و سنت محمد صلی الله علیه و آله را ضایع نکنید. این دو ستون را بر پا دارید و این دو چراغ را فروزان نگه دارید... از دیگر وصایای اعتقادی حضرت، شهادت به نبوت و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و امر به حفظ و اقامه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار توحید و یکتا پرستی است. این مطلب در دو روایت بالا که ذکر شد، مشهود است. از ایشان روایتی پس از ضربت خوردن نقل شده است که دلالت بر اهتمام حضرت نسبت به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و نسبت به عمل به سنت و دستوراتش دارد.

اصبغ بن نباته عبدی گوید: چون ابن ملجم بر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ضربت زد ما چند نفر از یاران، من و حارث و سوید بن غفله و گروهی دیگر صبح زود به دیدن آن حضرت رفتیم، بر در خانه نشستیم و صدای گریه از خانه شنیدیم و ما نیز گریستیم، امام حسن مجتبی علیه السلام از خانه بیرون آمد و فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: به خانه های خود بروید.

به جز من همه رفتند، و صدای گریه و ناله از منزل آن حضرت بلند شد و من نیز گریه کردم، امام حسن علیه السلام بیرون آمد و فرمود: مگر نگفتم بروید؟ عرض کردم: نه به خدا سوگند ای پسر رسول خدا نفسم با من یاری نمی کند و پاهایم بار تنم را نمی کشد که بروم جز اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام را ببینم.

حضرت اندکی درنگ کرد و درون خانه رفت، چیزی نگذشت که بیرون آمد و به من فرمود: داخل شو، پس بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شدم دیدم حضرت تکیه داده و دستمالی زرد به سر مبارک بسته، و از کثرت خونریزی رنگ چهره مبارکش به قدری زرد شده بود که نمی دانم صورت مبارکش زردتر بود یا دستمالی که به سر بسته بود، خود را به روی حضرت انداختم و او را بوسیدم و گریستم. به من فرمود: اصبغ! گریه مکن، به خدا سوگند به بهشت می روم.

عرض کردم: فدایت شوم به خدا سوگند می دانم که شما به بهشت می روید و همانا گریه من

۱. الکافی: ۱/ ۲۹۹، بحار الانوار: ۴۲/ ۲۰۶ و ۲۰۷

به خاطر آن است که شما را از دست می‌دهم ای امیرالمؤمنین. فدایت شوم یکی از احادیثی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ای برایم بازگو که من فکر کنم از این روز به بعد دیگر نتوانم از شما حدیثی بشنوم.

فرمود: آری ای اصبع، روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا فرا خواند و فرمود: ای علی برو به مسجد من، سپس بر منبر بالا می‌روی و مردم را سوی خود فرا می‌خوانی، پس حمد و ثنای خدا - عز و جل - به جای می‌آوری و درود فراوان بر من می‌فرستی آن‌گاه می‌گویی: ای مردم، من فرستاده رسول خدا بسوی شما هستم، و ایشان به شما می‌فرماید: «آگاه باشید، لعنت خدا و لعنت فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل خداوند و لعنت من بر هر کس که خود را به غیر پدر خودش منتسب کند، یا خود را از آن غیر صاحبان خود بداند، یا مزد اجیر را کم گذارد و به او ستم کند».

من به مسجد آن حضرت رفتم، حمد و ثنای الهی به جای آوردم و درود فراوانی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستادم، سپس گفتم: «ای مردم من فرستاده رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی شما هستم، و ایشان به شما می‌فرماید: آگاه باشید لعنت خدا و لعنت فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل خدا و لعنت من بر هر کس که خود را به غیر پدر خودش منتسب کند، یا خود را از آن غیر صاحبان خود بداند، یا مزد اجیر را کم گذارد.»

پس هیچ یک از مردم سخنی نگفت جز عمر بن خطاب که گفت: ای ابوالحسن پیام را رساندی ولی سخنی بدون شرح و تفسیر آوردی.

گفتم: به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گویم. پس خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتم و داستان را به آن حضرت گزارش دادم.

فرمود: به مسجدم باز گرد، و بر منبر رو و حمد و ثنای الهی به جای آر و بر من درود فرست، سپس بگو: ای مردم ما چیزی برای شما نیاوریم جز اینکه تأویل و تفسیر آن را نزد خود داریم. آگاه باشید، منم پدر شما، آگاه باشید منم مولا و صاحب اختیار شما، آگاه باشید منم اجیر شما.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف، خود را پدر و سرپرست و اجیر امت معرفی

می‌کند. اجرت و مزد حضرت نیز بنا بر آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) مودت و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام است. البته لازم به ذکر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها خود را پدر امت ندانسته بلکه در احادیث دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام را مانند خود، پدر این امت معرفی کرده و فرموده است:

من سید هر آن کسم که خدای عزوجل آفریده است و من بهتر از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و همه ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین هستم، من صاحب شفاعت و حوض شریفم و من و علی دو پدر این امت هستیم، هر کس ما را بشناسد خدای عزوجل را شناخته و هر کس ما را منکر باشد خدای عزوجل را منکر است، از علی علیه السلام است دو سبط این امت و دو سید جوانان اهل بهشت حسن و حسین و از اولاد حسین نه امامند که طاعتشان طاعت من است و عصیان آنها عصیان من است، نهم آنان قائم ایشان است و مهدی ایشان.^۲

از دیگر وصیت‌های مهم امیرالمؤمنین علیه السلام، وصیت حضرت نسبت به امام بعد از خود است. ایشان امام پس از خود را امام حسن علیه السلام معرفی می‌کند. شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه روایتی در این باره ذکر می‌کند:

وأخبرنا أحمد بن عبدون عن ابن أبي الزبير القرشي عن علي بن الحسن بن فضال عن محمد بن عبد الله بن زرارَةَ عمن رواه عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر قال: هذه وصية أمير المؤمنين ع إلى الحسن ع وهي نسخة كتاب سليم بن قيس الهلالي رفعها إلى أبان وقرأها عليه قال أبان وقرأتها علي بن الحسين ع فقال صدق سليم رحمه الله قال سليم فشهدت وصية أمير المؤمنين ع حين أوصى إلى ابنه الحسن ع وأشهد علي وصيته الحسين ع و محمدًا و جميع ولده و رؤساء شيعته و أهل بيته و قال يا بني أمرني رسول الله ص أن أوصي إليك و أن أدفع إليك كتبي و سلاحي ثم أقبل عليه فقال يا بني أنت ولي الأمر و ولي الدم...^۳

... سلیم گوید: مشاهده کردم هنگامی که امیرالمؤمنین به فرزندش حسن علیه السلام وصیت نمود و بر وصیتش حسین علیه السلام و محمد و تمام فرزندان و سران شیعیان و اهل بیتش را شاهد گرفت و فرمود: ای پسر من، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من امر فرمود که به تو وصیت کنم و کتب و سلاحم را به تو تحویل دهم. سپس رو به او کرد و فرمود: ای فرزندم

۱. شوری: ۲۳. یعنی: بگو از شما اجر و مزدی را برای رسالت درخواست نمی‌کنم جز مودت اهل بیتم.

۲. کمال الدین و تمام النعمة: ۱/ ۲۶۱

۳. کتاب الغیبه (لطوسی): ۱۹۴، بحار الانوار: ۴۲/ ۲۱۲ و ۲۱۳

تو ولی و سرپرست امر (امامت) و ولی دم هستی...

تا بدین جا بخشی از وصایا و سفارشات امیرالمؤمنین علیه السلام درباره معارف اعتقادی مانند توحید و نبوت و امامت ذکر شد. زین پس وصایای اخلاقی حضرت را بیان می‌کنیم.

وصایای اخلاقی

حضرت امیر علیه السلام درباره معارف اخلاقی نیز وصایا و سفارشات بسیاری پس از ضربت داشتند. برخی از آنها مربوط به امور فردی انسان است و بعضی دیگر متعلق به امور اجتماعی. بر همین اساس، این بخش از وصایا و سفارشات را به دو دسته اخلاق فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنیم و ذیل هر کدام، بخشی از وصایای حضرت را ذکر می‌کنیم.

وصایای اخلاقی فردی

ما در این جا، بخشی از وصایای حضرت را که به افعال و امور فردی انسان مربوط می‌شود را ذکر می‌کنیم شامل: نماز، روزه، تقوی و زهد. لازم به ذکر است که وصایای حضرت در این باره بیش از این‌هاست ولی ما به بیان این چند سفارش اکتفا می‌کنیم.

نماز

نماز از مهم‌ترین فروع و واجبات دین اسلام است و از ضروریات دین شمرده می‌شود. آیات و روایت فراوانی بر اهمیت و فضیلت نماز دلالت می‌کند که نقل آنها نیازمند نوشتن چندین جلد کتاب است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام نماز، اولین چیزی است که مورد محاسبه قرار می‌گیرد و در صورتی که نماز مورد قبول واقع شود، سائر اعمال نیز پذیرفته می‌شوند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در واپسین ساعات عمر شریفشان اهتمام ویژه‌ای به نماز داشتند و به آن وصیت کردند:

اللّٰهُ اللهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ.^۲

تقوای الهی پیشه کنید و خدا را یاد کنید درباره نماز؛ زیرا نماز ستون دین شماست.

حضرت بر اقامه نماز در وقت خودش نیز تاکید داشتند:

أوصيك يا بنى بالصلاة عند وقتها.^۳

۱. الکافی: ۳/ ۲۶۸

۲. نهج البلاغة: ۴۲۲؛ بحار الانوار: ۴۲/ ۲۵۶

۳. الامالی (للمفید): ۲۲۱؛ بحار الانوار: ۴۲/ ۲۰۳

ای فرزندم تو را به انجام نماز در وقت خودش سفارش می‌کنم.

روزه

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره روزه وصیت می‌کند و می‌فرماید:

و عليك بالصوم فإنه زكاة البدن و جنة لأهله.^۱

بر تو باد روزه گرفتن؛ زیرا روزه زکات بدن و سپر روزه‌داران (از عذاب) است.

در روایات، حکمت‌ها و آثار بسیاری برای روزه ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به ایجاد مساوات بین فقیر و غنی^۲، وسیله امتحان اخلاص مردم^۳، زکات بودن برای بدن و سپر بودن از عذاب^۴ نام برد.

شایسته است به این مطلب توجه شود که روزه مراتبی دارد که پایین‌ترین آن‌ها امساک و خودداری از خوردن، آشامیدن و آمیزش جنسی و رعایت آداب ظاهری روزه است، اما در احادیث بیان شده است که روزه‌دار باید چشم و گوش و پوست و موی او هم روزه باشد و از تمامی معاصی خودداری کند.^۵

تقوا

یکی از سفارشاتی که حضرت علی علیه السلام در مدت زمان اندک بین ضربت تا شهادت بسیار بر آن تاکید نمودند، تقوا و پرهیزکاری است. تقوا به معنای خویشتن داری در انجام طاعات و دوری از محرمات الهی است. قرآن کریم در بسیاری از آیات به موضوع تقوا و باتقویان پرداخته و به آن امر کرده است^۶ و بهترین توشه را تقوا معرفی می‌کند.^۷ بر اساس آیات قرآن، گرامی‌ترین و ارجمندترین انسان‌ها نزد خداوند، باتقواترین آن‌هاست.^۸ از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتی که در نهج

۱. الامالی (للمفید): ۲۲۲؛ بحار الانوار: ۲۰۳ / ۴۲

۲. من لا یحضره الفقیه: ۷۳ / ۲

۳. نهج البلاغه: ۵۱۲، حکمت ۲۵۲

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود نسبت به روزه که روایتش ذکر شد، به دو مورد اخیر اشاره کردند.

۵. الکافی: ۸۷ / ۴

۶. برای نمونه: ﴿وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ «و تقوای الهی را پیشه کنید و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است»

بقره: ۱۹۴

۷. ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ «و زاد و توشه تهیه کنید که بهترین توشه، تقوی است و از من

پرهیزید ای خردمندان» بقره: ۱۹۷

۸. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما

البلاغه ذکر شده است، اولین چیزی که به حسنین علیهما السلام سفارش می‌نماید، تقوای الهی است. سپس بعد از بیان چند جمله دوباره آن را مورد تاکید قرار می‌دهد.

أوصیکما بتقوی الله... أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله...^۱
من شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم... شما را و تمام فرزندان و خانواده و کسانی که وصیت من به آنها می‌رسد را به تقوای الهی سفارش می‌کنم...

زهد

زهد، یکی دیگر از سفارشات امیرالمؤمنین علیه السلام است که با تعابیر مختلفی از ایشان نقل شده است. زهد عدم رغبت به دنیا و غیر خداوند و در عوض، توجه به آخرت و خداوند است.^۲ ایشان در این باره می‌فرماید:

و إذا عرض شیء من الآخرة فابدأ به و إذا عرض شیء من أمر الدنيا فتأنه حتى تصیب رشدک فیه.^۳
زمانی که چیزی از امور آخرت پیش آمد، بشتاب و به آن مشغول شو و هنگامی که چیزی از امور دنیا عارض شد، در آن درنگ و تفکر کن تا به خیر و صلاحیت در آن برسی.

و نیز می‌فرماید:

و ألا تبغیا الدنيا و إن بغتکما و لا تأسفا علی شیء منها زوی عنکما.^۴
در پی دنیا نباشید اگرچه دنیا در پی شما باشد و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید، تأسف نخورید.

در جای دیگری می‌فرماید:

و لا تکن الدنيا أكبر همک^۵

نباید دنیا بیشترین اندوه و نگرانی تو باشد.

هم‌چنین می‌فرماید:

أوصیک یا بنی ب... و ذکر الموت و الزهد فی الدنيا فإنک رهن موت و غرض بلاء و طریح سقم.^۶

نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» حجرات: ۱۳

۱. نهج البلاغه: ۴۲۱، نامه ۴۷؛ بحار الانوار: ۲۵۶/۴۲

۲. جامع السعادات: ۴۳/۲

۳. الامالی: ۲۲۱ و ۲۲۲؛ بحار الانوار: ۲۰۳/۴۲

۴. همان

۵. الامالی (للمفید): ۲۲۱؛ بحار الانوار: ۲۰۲/۴۲

۶. همان

سفارش می‌کنم تو را به یادآوری مرگ و زهد و بی‌رغبتی به دنیا؛ زیرا تو در گرو مرگ و هدف بلاء و مغلوب بیماری هستی.

وصایای اخلاقی اجتماعی

حسن معاشرت

طبیعت انسان مدنی و اجتماعی است زیرا نیازهای مادی، معنوی، عاطفی و اخلاقی بسیاری دارد که تنها در سایه زندگی اجتماعی مرتفع می‌شوند. زندگی اجتماعی نیازمند به حسن معاشرت است بدین معنا که صفا، صمیمیت، گذشت و ... در آن وجود داشته و از دو رویی، دروغ، خیانت و ... به دور باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام، درباره حسن معاشرت این‌گونه وصیت کرده است:

لما احتضر أمير المؤمنين (عليه السلام) جمع بنیه حسنا و حسينا و ابن الحنفية و الأصغر من ولده، فوصاهم و كان في آخر وصيته: يا بني، عاشروا الناس عشرة إن غبتم حنوا إليكم، و إن فقدتم بكوا عليكم. يا بني، إن القلوب جنود مجندة، تتلاحظ بالمودة، و تتناجى بها، و كذلك هي في البغض، فإذا أحببتم الرجل من غير خير سبق منه إليكم فارجوه، و إذا أبغضتم الرجل من غير سوء سبق منه إليكم فاحذروه^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان احتضار، پسرانش حسن و حسین و ابن حنفیه و فرزندان کوچکش را جمع کرد و به آنها وصیت کرد و آخر وصیتش این بود که ای پسرانم، به گونه‌ای با مردم معاشرت کنید که اگر نبودید مشتاق شما باشند و اگر از این دنیا رفتید بر شما گریه کنند. ای پسرانم، همانا که دل‌ها چون لشکرهای آماده‌اند، به دوستی به هم چشم دارند و به آن با هم راز گویند، و در دشمنی هم چنین باشند، اگر مردی را بدون این که از او نیکی دیده باشید دوست دارید، پس به او امید بندید، و اگر نسبت به مردی بی آن‌که از او بدی دیدیده باشید بغض دارید، پس از او حذر کنید.

حسن معاشرت باید در تمامی روابط و مناسبات اجتماعی انسان‌ها از جمله بین همسایگان وجود داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصایای خود بر حسن همسایگی تاکید می‌کردند^۲ و می‌فرمودند:

الله الله في جيرانكم فإنهم وصية نبيكم ما زال يوصي بهم حتى ظننا أنه سيورثهم.^۳

۱. الامالی (للطوسی): ۵۹۵؛ بحار الانوار: ۲۴۷ و ۲۴۸

۲. ر. ک: الامالی (للمفيد): ۲۲۱؛ بحار الانوار: ۲۰۳/۴۲

۳. نهج البلاغه: ۴۲۲، نامه ۴۷؛ بحار الانوار: ۲۵۶/۴۲

تقوای الهی پیشه کنید و خدا را یاد کنید درباره همسایگانتان؛ زیرا آنها وصیت و سفارش پیامبرتان هستند. پیوسته به آنها سفارش می‌کرد تا جایی که گمان کردیم آنها را میراث‌بر قرار خواهد داد.

امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امیر علیه السلام در این باره فرموده است:

لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولى عليكم [أشراككم] شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم^۱

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در صورت ترک، بدهایتان بر شما مسلط خواهند شد سپس دعا می‌کنید ولی دعایتان مستجاب نخواهد شد.

امر به معروف به معنای امر و تشویق به کارهای خوب و شایسته و نهی از منکر به معنای نهی و بازداری از کارهای بد و ناشایست است. امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه بزرگ الهی هستند که در پرتو آنها احکام الهی در جامعه اجرا خواهد شد و با ترک آنها جامعه، فاسد و بی‌بند و بار می‌شود و طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام که در بالا ذکر شد، در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر، اشرار و ستمگران بر مردم مسلط خواهند شد.

رسیدگی به فقرا و ایتام

امیرالمؤمنین علیه السلام در طول حیات پر برکت خویش اهتمام و توجه زیادی به فقرا و ایتام و کمک به آنها داشتند. به همین دلیل در وصیت خود نیز ایتام را مورد سفارش قرار می‌دهد و می‌فرماید:

الله الله في الأيتام فلا تغبوا أفواههم ولا يضيعوا بحضرتكم فقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول من عال يتيما حتى يستغنى أوجب الله عز و جل له بذلك الجنة كما أوجب لأكل مال اليتيم النار.^۲

تقوای الهی پیشه کنید و خدا را یاد کنید درباره ایتام، پس نکند گاهی آنها سیر باشند و گاه گرسنه بمانند و حقوقشان در حضور شما ضائع نگردد که همانا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: کسی که متکفل یتیمی شود تا زمانی که بی‌نیاز شود، خداوند عز و جل

۱. همان

۲. الکافی: ۷ / ۵۱؛ بحار الانوار: ۴۲ / ۲۴۸

به سبب این کار بهشت را بر او واجب گرداند هم‌چنان که آتش را بر کسی که مال یتیم را بخورد واجب می‌کند.

و در مورد فقرا می‌فرماید:

الله الله فی الفقراء و المساکین فشارکوهم فی معاشکم.^۱

تقوای الهی پیشه کنید و خدا را یاد کنید درباره فقرا و بی‌نوایان، پس آن‌ها را در معیشت و زندگی خود شریک کنید.

صله رحم

یکی دیگر از وصایای امیرالمؤمنین علیه السلام، صله رحم و ارتباط با خویشاوندان است که یکی از با فضیلت‌ترین کارها در اسلام است. مقصود از صله رحم، دفع اذیت و سختی از خویشاوندان و دیدار با آن‌ها و کمک به آن‌ها با مال و زبان و دست و پا و آبرو و ... است.^۲ در مقابل آن، قطع رحم است که از گناهان کبیره است. به همین دلیل، حضرت علی علیه السلام تاکید بر صله رحم نموده و فرموده است:

انظروا ذوی أرحامکم فصلوهم یهون الله علیکم الحساب.^۳

به خویشاوندان خود توجه کنید و با آن‌ها ارتباط داشته باشید تا خداوند حساب (قیامت) را برای شما آسان گرداند.

خاتمه

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از مضروب شدن توسط ابن ملجم مردای لعنه الله تا زمان شهادت، وصیت‌ها و سفارشات داشتند که ما در این نوشتار بخشی از آن‌ها را در قالب دو بخش وصایای اعتقادی و اخلاقی ذکر کردیم. وصایای اعتقادی شامل وصیت به توحید و یگانگی خداوند، نبوت و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و تبعیت از سنتش و وصیت به امام حسن علیه السلام به عنوان جانشین و امام بعد از خود، و وصایای اخلاقی شامل فردی و اجتماعی.

در پایان متن کامل یکی از روایات وصیت‌های ایشان را از کتاب امالی شیخ مفید رحمه الله نقل می‌کنیم به این امید که عامل به آن باشیم ان شاء الله.

۱. الکافی: ۵۲ / ۷؛ بحار الانوار: ۲۴۹ / ۴۲

۲. جامع السعادات: ۲۰۱ / ۲

۳. الکافی: ۵۱ / ۷؛ بحار الانوار: ۲۴۸ / ۴۲

فجیع عقیلی گوید: حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام فرمود:

چون هنگام وفات پدرم رسید شروع به وصیت نمود و فرمود: اینها مطالبی است که علی بن ابی طالب برادر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و پسر عمو و وصی و همدم و همراه او بدان وصیت و سفارش نموده است. و آغاز وصیتم این است که گواهی می‌دهم معبودی جز الله نیست، و محمد فرستاده خدا و برگزیده اوست، خداوند او را با علم خود اختیار کرد، و او را برای اختیار و انتخاب خود برگزید و (گواهی می‌دهم) که خداوند مردگان را از قبرها برانگیزاند، و از مردم در مورد اعمالشان بازخواست می‌کند، و او به آنچه در سینه‌ها نهانست داناست.

ای حسن تو را - که وصی بودن تو به تنهایی کافی است - سفارش می‌کنم به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود. پسر، چون زمانش فرا رسد در خانه بمان، و بر خطاهایت گریه کن، و نباید دنیا بزرگترین هم و فکر تو باشد. پسر، تو را به گزاردن نماز در وقت خود، و پرداخت زکات به اهلش در هنگام حلول و قتش، خاموشی در برابر امور تردید آمیز و اشتباه برانگیز، و میانه‌روی در عمل، و رعایت عدالت در خشنودی و خشم، و خوش رفتاری با همسایگان، و مهمان‌نوازی، و مهربانی به رنج‌دیدگان و بلادیدگان، و حفظ ارتباط با خویشاوندان، و دوستی و هم‌نشینی با فقراء و مساکین، و فروتنی که از برترین عبادات است، و کوتاه داشتن آرزو، و یاد آوری مرگ، و زهد و بی‌رغبتی به دنیا، سفارش می‌کنم که همانا تو در گرو مرگ، و هدف بلاء، و مغلوب بیماری هستی.

و تو را به ترس از خدا در نهان و آشکار کارت سفارش می‌کنم، و از شتاب در گفتار و کردار نهی می‌نمایم، و چون کار آخرتی پیش آمد در انجام آن بشتاب، و چون کار دنیائی پیش آمد شتاب نورز و تأمل کن تا به رشد و خیر خودت در آن کار برسی. و از جاهایی که بودن تو در آن موجب متهم شدن توست و نیز از مجلسی که به آن گمان بد می‌رود پرهیز که هم‌نشین ناباب هم‌نشین خود را دگرگون سازد. پسر جانم، برای خدا کار کن، و از سخن ناروا دوری گزین، و به کارهای پسندیده امر کن، و از زشتی‌ها نهی نما، و با برادران دینی در راه خدا برادری کن، و نکوکار را به خاطر نیکوکاریش دوست بدار، و با کسانی که خارج از طاعت خدا و دین شده‌اند مدارا نما، و او را در دل دشمن دار، و در اعمال خود از وی فاصله بگیر

تا مثل او نباشی.

از نشستن بر سر راه‌ها بپرهیز، و بحث و جدل را با کسی که عقل و دانشی ندارد رها ساز
پسر جانم، در زندگانی و نیز در عبادت خود راه اعتدال و میانه روی را پیش گیر، و در
عبادت به کاری که مداوم و مورد توان توست بپرداز، و پیوسته خاموش باش تا سالم بمانی،
و کردار نیکی برای خودت پیش فرست تا غنیمت بری، و نیکی را یادگیر تا آگاهی یابی، و
در هر حال یاد خدا باش، با خردسالان خانواده‌ات مهربان باش، و بزرگسالان‌شان را احترام
بگذار، و طعامی را مخور تا اینکه پیش از خوردن، چیزی از آن را صدقه دهی.

پیوسته به روزه داری بپرداز که آن زکات بدن و سپر روزه‌دار (از آتش دوزخ) است، و با
نفس خود جهاد کن، و از هم‌نشین خود بر حذر باش، و از دشمنت دوری‌گزین، و بر تو باد
به مجالسی که در آنها یاد خدا می‌شود، و فراوان دعا کن. پسر جانم به راستی که چیزی از
خیر خواهی و نصیحت را از تو فرو گذار ننمودم، و اینک زمان جدائی من و تو فرا رسیده
است. تو را به برادرت محمد (ابن حنفیه) سفارش به خیر می‌کنم که او برادر و فرزند پدر تو
است، و از میزان دوستی من نسبت به او، باخبری.

و اما برادرت حسین که او فرزند مادر توست (و نیازی به سفارش ندارد)، و بیش از این در
این باره سفارش نمی‌کنم، خداوند کفیل من بر شماست، و از او می‌خواهم که شما را به صلاح
آورد، و شر جفاکاران سرکش را از شما باز دارد، و صبر را پیشه سازید تا خداوند خودش
زمام امر را به دست گیرد. و هیچ حرکت و نیروئی نیست جز به خدای برتر و بزرگ.^۱

۱. الامالی (للمفید): ۲۲۰ تا ۲۲۳؛ بحار الانوار: ۴۲/۲۰۲ تا ۲۰۴

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الامالی، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفه، تحقیق: موسسه البعثه، تعداد جلد: ۱، ناشر: دار الثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳. الامالی، محمد بن محمد بن نعمان - شیخ مفید، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، تعداد جلد: ۱، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴. الامالی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، تعداد جلد: ۱، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، تعداد جلد: ۱۱۱، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶. جامع السعادات، محمد مهدی النراقی، تحقیق: السید محمد کلانتر، تعداد جلد: ۳، ناشر: مطبعه النعمان، نجف.
۷. جواهر الکلام فی معرفه الامامه و الامام، سید علی حسینی میلانی، تعداد جلد: ۱۴، ناشر: الحقائق، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۸. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تعداد جلد: ۸، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹. کتاب الغیبه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، تعداد جلد: ۱، ناشر: دار المعارف الاسلامیه، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تعداد جلد: ۲، ناشر: اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، تعداد جلد: ۴، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. نهج البلاغه، ابو الحسن محمد بن حسین بن موسی موسوی بغدادی معروف به سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، تعداد جلد: ۱، ناشر: هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.